



داستان دو شهر

چارلز دیکنز
ترجمه پروین ادیب



پیام رمز آلود

سال ۱۷۷۵ بود و دو کشور انگلستان و فرانسه در آستانه انقلاب قرار داشتند. جرج سوم^۱، پادشاه انگلستان، آن قدر درگیر حل مشکلات کشورش با مستعمرات آمریکایی بود که وقتی برای نگرانی در مورد فقر مردمش نداشت. لویی شانزدهم^۲، پادشاه فرانسه، و اشراف دربارش هم بیشتر نگران خوشگذرانی و مال و ثروت خود بودند تا نگران مردم فقیر و گرسنه طبقات پایین اجتماع؛ همان‌ها که آماده بودند تا حاکمان کشورشان را سرنگون کنند. چنین شد که لندن و پاریس، یعنی پایتخت دو کشور، وقتی انقلاب نزدیک می‌شد بدل

به شهرهایی پر آشوب و ناامن شدند.

در آن دوران، جنایات بسیاری در انگلستان اتفاق می افتاد.
به همین دلیل بود که در آن جمعه شب اواخر ماه نوامبر،
مسافرانی که با یک دلیجان پستی به خارج از لندن سفر می کردند،
با شنیدن صدای پای اسبی که به تاخت می آمد، وحشت زده
شدند.

نگهبان ماشه اسلحه اش را کشید و فریاد زد: «بایست وگرنه
شلیک می کنم!»

اسب سوار از سرعتش کم کرد، ایستاد و با صدای بلند گفت:
«می خوام با یکی از مسافرها که به داور^۳ میره حرف بزنم، آقای
چارویس لاری^۴».

نگهبان رو به مسافران برگشت و پرسید: «کدوم یکی از شما آقای
لاریه؟»

مردی که حدود شصت سال سن داشت با صدایی لرزان گفت:
«منم. کی با من کار داره؟»

اسب سوار گفت: «من جری کرونچر^۵ هستم و برای شما از طرف
تلسان^۶ پیغام دارم».

آقای لاری رو به نگهبان کرد و گفت: «راحت باش. من این



فرستاده رو می‌شناسم. من برای بانک تلسان تو لندن کار می‌کنم.
این آقا هم همین طور»

آقای لاری نامه‌ای را که پیک به طرفش دراز کرده بود گرفت، باز کرد و زیر لب خواند. در داور منتظر مادموازل^۶ بمان»
او رو به مرد سوارکار کرد و گفت: «جری، بگو جواب من اینه:
دعوت به زندگی».

مرد درحالی که سوار بر اسبش می‌شد، زیر لب غرغرکنان گفت:
«چه جواب عجیب و غریبی»

کمی بعد، لاری هم مثل بقیه مسافران شروع به چرت زدن کرد.
اما خواب او با آرامش همراه نبود، چون تمام مدت خواب می‌دید
که در حال بیرون آوردن مردی از داخل گور است.
جارویس لاری مدام از آن شبخ می‌پرسید: «چند وقته که اینجا
دفن شدی؟»

شبخ هم مرتب جواب می‌داد: «تقریباً هجده سال».

«می‌دونی که تو دوباره به زندگی دعوت شدی؟»

«اونا این طور می‌گن».

سروصدای آقای لاری باعث شد بقیه مسافرهای خواب بیدار
شوند. آن‌ها آن قدر به او سقلمه زدند تا از خواب پرید. در یکی از